

قالب اتحادیه بلکه در قالب یک واحد مستقل سیاسی تمایل به همکاری های مختلفی با ما دارند.

وی افزود: مکانیسم ماشه، زمانی برای ما ایجاد خطر می‌کند که ما درون خودمان، احساس ضعف کنیم، در غیراین صورت ما ابزارهای مختلفی برای حفاظت از خودمان در برابر این سازوکار داریم. یکی از این ابزارها، عضویت یا عدم عضویت ما در پیمان NPT است. اگر ما احساس ضعف را کنار گذاشته و رسماً اعلام کنیم که اگر قرار است علیه ما مکانیسم ماشه فعال شود، ما هم دلیلی برای حضور در NPT نخواهیم داشت، می‌توانیم با چنین ابزاری از اهرم فشار خود علیه مکانیسم ماشه استفاده کنیم. باقی ماندن ما در NPT به حدی برای غربی‌ها مهم است، که باعث می‌شود، از تصمیم‌گیری نابخردانه درخصوص مکانیسم ماشه دست بردارند. اگر آنها بخواهند مکانیسم ماشه رافعال کنند، عملانمی‌توانند تحریم جدیدی را به ما اضافه کنند و هیچ‌یک از این کشورها هم تمایلی ندارند براساس برخورد نظامی با ما مواجه شوند. اگر ما از NPT خارج شویم و آنها اسنب یک رافعال کنند، هرگونه بازرسی و نظارت برتاسیسات هسته‌ای را از دست خواهند داد، اما در عمل فشار چندانی بر ما وارد نخواهد شد، چون عملا هر حربه تحریمی که بوده، علیه ما فعال است. فعال سازی مکانیسم ماشه اهرم جدیدی به آنها نمی‌دهد. اما اگر ما خارج شویم اهرم جدید در دست ما و فشار ما علیه آنها خواهد بود. ما نباید در درون احساس ضعف کنیم و به طرف مقابل هم احساس برتری دهیم.

این فعال سیاسی اصولگرا درخصوص تعبیری که برخی درباره سخنان رهبری، مطرح می‌کنند و این سخنان را به معنای پایان مذاکرات نمی‌دانند، گفت: به اعتقاد من پدیده‌ای به نام «مغالطه»، اینجا خود را نشان می‌دهد. مغالطه یعنی همین که متنی به صراحت گفته شده و دوستان تفاسیری می‌کنند که این تفاسیر اصلا در زبان فارسی مشکل دارد. مغالطه و مغلطه به‌ویژه درخصوص سخنان رهبری کار پسندیده‌ای نیست. این نوع مغالطه‌ها را اصلا نباید جدی گرفت.

چیزی که پذیرفتنی نیست زیاده خواهی و بدعهدی است

اعتماد با اشاره به بخشنامه ترامپ نوشت: چرا باید در چنین موقعیت روشنی برخی مدعیان دانایی حتی به سفیدشویی فردی که احوالش پیش جهان شناخته شده و از ملکات بلند انسانی بویی نبرده است، بپردازند؟ هر چند کاخ سفید در برابر حساسیت درست ابزار شده از سوی ایرانیان میهن‌دوست عقب‌نشینی و اعلام کرد که منظور بخشنامه رئیس‌جمهور خلع سلاح ایران نبوده است ولی متن امضا شده موجود است و عین عبارت، «مقابله با سلاح‌های غیرمتقارن و متعارف» خود را نشان می‌دهد. معنای خطرناک این دستور غیرقانونی چیزی جز سپر انداختن نیروهای مسلح ایرانی و علامت‌آشکار به هر بد خواهی برای تعرض به خاک مقدس ایران نیست. مگر در چنین ساحت کلیدی که امنیت مردم به آن گره خورده است، می‌شود با کلمات بازی کرد؟ مگر کشور ما بزرگی و اقتدار و حدود مرزهای خود را مفت به دست آورده که حالا آن را در معرض زیاده‌طلبی و جسارت یک قانون شکن هوس باز قرار بدهد؟ متأسفانه در این زمینه مسئولان رسانه‌ای خوب عمل نکردند و مردم را در جریان واقعیت مواضع ترامپ قرار ندادند! کدام ایرانی واقعی و وطن‌دوست است که در جهان پرآشوب کنونی به خلع از سلاح‌های متعارف نیروهای مسلح رضایت بدهد؟ معنای رضایت به این نقض اساسی در ارکان دفاعی و بازدارنده کشور این است که رقیبان منطقه‌ای به یک‌ه‌تازی علیه مرزهای

ایران طمع کنند، داعش‌ها سر برآورند و تا خانه‌های ایرانیان عبور دست درازی کنند و نیروهای مسلح چیزی جز تفتنگ‌های سبک برای دفاع از مردم خود ندانسته باشند. کاش رسانه‌های مرتزق از جیب مردم هوش و ذکاوت واحساس مسئولیت ودانش اطلاع‌رسانی داشتند و مردم را بدون شعار دادن در جریان امور قرامی دادند. آیا ما آن قدر از دانستن سیاست معذور شده‌ایم که متوجه نشویم چه‌کسی فریبکاری می‌کند و زیر میز مذاکره می‌زند؟ ترامپ با شروط نامتعارف و غیرقانونی خود عملاً و از ابتدا اتاق مذاکره را ترک کرد. فرض کنیم جمهوری اسلامی قبل از شروع مذاکره دستور بدهد که همه مقدمات تولید سلاح هسته‌ای فراهم شود آیا این معنایی جز بلاموضوع شدن مذاکره دارد؟ اگر قرار باشد ما سلاح هسته‌ای داشته باشیم دیگر مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای چه معنایی دارد؟ و اگر آمریکا تحریم‌ها را شدت می‌بخشد دیگر مذاکره چه معنایی جز باجی که از ایران می‌خواهد، دارد؟ نکته بسیار مهم و اساسی این است که اگر طبق گفته آقای ترامپ دغدغه اصلی آمریکا فقط سلاح هسته‌ای ایران است و باز هم به قول خودش اثبات این معنا خیلی ساده است، اساساً چه نیازی به تهدید و تسری موضوع به حوزه‌های دیگر و حتی مذاکره است؟ آقای ترامپ اگر صداقت داشت اعلام می‌کرد که به محض اعلام صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران از سوی آژانس بین‌المللی اتمی او دستور لغو همه تحریم‌ها را صادر خواهد کرد. آژانسی که مرجع اصلی رسیدگی به مسائل هسته‌ای همه کشورهاست و بر آن اجماع جهانی وجود دارد. در هر حال باید عنوان کنیم که ما نباید در شرایط کنونی قرامی‌گرفتمی ولی با هر مقدمه‌ای و در معرض از تقصیرات صورت گرفته نمی‌توانیم سپر بیفکنیم و ملک عزیز خویش را در معرض تاراج بد خواهان قرار بدسیم. اگر امروز یا ترک میز مذاکره ازسوی آمریکا دلا رجش ۳۰ هزار تومانی پیدا کرده است مطمئن باشیم که درصورت انفعال و سستی و ترس و تهور و بلاوجه و بی‌توجهی به مبانی مردم سالاری واستحکام داخلی نرخ ارزهارا بزور بلندتری پیدا خواهد کرد.

چرا آمریکا شیطان بزرگ است باسخ را از زبان ترامپ بشنوید

کیهان هم با اشاره به پیشینه مذاکرات با آمریکا نوشت: مصاحبه اخیر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با شبکه خبری فاکس نیوز، حاوی نکات و درس‌های بسیاری برای عاشقان و برگ‌کنندگان غرب و آمریکا در داخل کشور است، مصاحبه‌ای که به نوبه خود به

بهترین شکل طینت واقعی سردمداران آمریکا را آشکار می‌سازد.

رئیس‌جمهور آمریکاطی روزها و هفته‌های اخیر، با اعلام صریح مواضع قلدرمانانه خود در قبال ایران ود دیگر مسائل جهان، اندک امید غرب‌گرایان داخلی را به ادامه مسیر مذاکره با آمریکا به نغم تجربه شکست خورده برجام بر باد داد.

انتشار یادداشت امنیت ملی ریاست جمهوری از سوی ترامپ که بالحنی بسیار تند و با نگاهی بسیار شبیه به بیابانه ۱۲شرطی پمپئو، بخش زیادی از دستورالعمل‌های پیشین برای فشار حداکثری بر ایران را فعال ساخت، موضع‌گیری‌های وی در نشست‌های خبری در حمایت از رژیم کودک‌کش صهیونیستی و فشار بر کشورمان ونهایتاً انتشار مصاحبه‌ای از وی با «بردبایر» تحلیل‌گر و برنامه‌ساز شبکه فاکس نیوز، هر نوع گمانه‌زنی درباره تغییر ترامپ نسبت به دور اول ریاست جمهوری او را از میان برد و همچون آب سردی بر چهره سفیدشویان ترامپ در داخل کشور فروریخت.

کیهان پیش از این و در ماه‌های گذشته بارها و بارها، عاقبت ارسال سیگنال ضعف درون کشور را به مسئولین گوشزد کرده بود و آنان را از تکرار روش برجام در ضعیف‌ومشتاق نشان دادن کشور که با نتیجه‌ای جز فشار و امتیازگیری بیشتر از سمت غرب روبه‌رو نشد، بر حذر داشته بود.

نگاهی به تاریخ، پر از تجربه‌هایی است که هر تحلیل‌گر منصف و عاقلی را به راحتی متوجه نتیجه دیپلماسی التماسی و رویکرد برجرامی خواهد کرد.

تجربه حسن نیت مسئولان در زمان دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی نسبت به بوش پدر منجر به حسن نیت متقابل آمریکا نشد، رویکرد منفعلانه و برخورد دوستانه دولت اصلاحات نیز در ادامه این روند نه‌تنها کمکی به اصلاح رفتار آمریکا در قبال ایران نداشت که با تشدید برخورد‌های آمریکا در قبال ایران روبه‌رو شد. رویکرد عقب‌نشینی مسئولان وقت در دوران اصلاحات در بروکسل وسعدآباد نیز نه‌تنها کمکی به حل اختلافات و اصلاح روابط میان غرب و ایران نکرد که بالعکس با پاسخ‌گستاخانه سردمداران آمریکا و اروپا روبه‌رو شد.

اگر از هر یک از این تجربه‌ها بتوان چشم‌پوشی کرد، برجام عیان تر از همیشه این طینت آمریکایی را نشان داد و حجت را بر هر تحلیل‌گر، سیاستگذار و مسئول نسبت به نوع برخورد با غرب تمام کرد.



یادداشت‌های شهر شلوغ

خط قرمزهای ایران در مذاکرات بین‌المللی

[شهرود] مواضع مشترک بیان‌شده توسط سیاستمداران و متولیان امور همگام و همراه با نقطه‌نظرات مقام معظم رهبری و همچنین حضور یکپارچه مردم در مراسم بزرگداشت پیروزی انقلاب، شاید بهترین جواب‌ها به رفتار و گفتار قلدرمانانه ترامپ بود. در همین راستا این روزها، رسانه‌ها و صاحب‌نظران با تحلیل بدعهدی‌های آمریکا و خواست‌های نامتعارف ترامپ، به ارائه راه‌حل‌ها و رویکردهای مناسب در راستای راهبردهای نظام و دولت می‌پردازند.

دوگانه مذاکره و بدعهدی؛ ترفتند و استراتژی آمریکا

علی‌اکبر احمدیان، نماینده رهبر معظم انقلاب ودبیر شورای عالی امنیت ملی کشور، در گفت‌وگو با روزنامه جام‌جم، به موضوع خط قرمزهای جمهوری اسلامی در مذاکرات بین‌المللی وتاریخچه بدعهدی‌های آمریکا در تعامل با ایران اشاره داشت.

وی در این مصاحبه گفت: جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون همواره اهل مذاکره بوده و فقط دو ممنوعیت اعتقادی برای ارتباط و مذاکره با کشورها قائل بوده است. یکی باند ظالم اشغالگر سرزمین فلسطین و دیگری رژیم نژادپرست و ظالم سابق آفریقای جنوبی، در زمانی که کشور دوست وبرادر انقلابی‌فعلی آفریقای جنوبی در چنگال آپارتاید ظالم واقلیت نژادپرست گرفتار بود. پس از پایان عمر رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی تا امروز به جز اسرائیل غاصب، هیچ‌گاه محدودیت‌ایدئولوژیک برای ارتباط و مذاکره با سایر کشورهای جهان وجود نداشته است و اگر آمریکا استثنا شده به دلایل منطقی، علمی و تجارب مکرر بوده است و نه اعتقادی، زیرا علم بشری ومادی، چیزی جز تجربه متراکم تکرارپذیر نیست.

تجارب مکرر ایران اسلامی و امروز بسیاری از کشورهای جهان، نشان داده که مذاکره با آمریکا نتیجه‌بخش نبوده و عبث است و هیچ فرد عاقل و هوشمندی کار عبث انجام نمی‌دهد و از یک سو راج ده‌ها بار گزیده نمی‌شود. پس اگر امروز آمریکا در مذاکره استثنا است به دلیل تکرار تجربه زورگویانه قبل از مذاکره و حین مذاکره و بدعهدی پس از توافق است، نه به دلیل اعتقادی. رهبر معظم انقلاب هم در این مورد از موضع تجربه سخن گفته‌اند نه از جایگاه اعتقادی، همچنان‌که در آخرین فرمایشات تأکید می‌کنند که جز باند اشغالگر سرزمین فلسطین که یک دولت نیست، با همه کشورها مذاکره می‌کنیم و فقط یک استثنا وجود دارد؛ آمریکا. به چه دلیل؟ به دلیل تجربه.

در اوایل انقلاب هم که حضرت امام (ره) قائل به مذاکره با آمریکا نبودند به واسطه تیزبینی وشناخت منحصربه‌فرد ایشان از ماهیت آمریکا بودودر بیان علت آن می‌فرمودند: «مذاکره با آمریکا، مذاکره گزگ با میش است واگر روزی آمریکا آدم شود، مانعی ندارد.» اما آمریکا در عمل ثابت کرده که هیچ فرقی نکرده ونخواهد کرد. تجربه جهانی نیز همین است. آمریکا تاکنون به هیچ پیمانی در جهان وفادار نمانده است؛ حتی پیمان‌های عمومی بشری مانند پیمان آب وهوایی پاریس، سازمان بهداشت جهانی، پیمان آسمان‌های باز، یونسکو، شورای حقوق بشر سازمان ملل، پیمان تجاری اقیانوس آرام، قرارداد تجارت آزاد آمریکا شمالی (نفتا)، پیمان مهاجرتی سازمان ملل (نیویورک)، پیمان عدم‌گسترش ناتو به اقلام شوروی سابق، روسیه وحتی پیمان یادوستان و متحدان نزدیک خود مانند کانادا و کشورهای اروپا.

وی وجود رویکرد متفاوت از سوی آمریکا را رد کرد و گفت: هم‌زمان با اظهارات ترامپ، سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران در قالب یادداشت رئیس‌جمهور ابلاغ و به سرعت اجرا شده است. در چند سال گذشته نیز پس از نقض برجام، آمریکا با وساطت و از طریق عمان، توافقاتی با جمهوری اسلامی ایران انجام داد که به عمده آنها پایبند نماند. یکی از آن موارد، پول ایران در قطر است و با وجود این عدم پایبندی، اصرار داشت که ایران به توافقات پایبند بماند و به تعهدات جدیدی نیز تن دهد. تکرار این تجارب از زمان دولت مصدق تاکنون ونیز رفتار مشابه با جهان، ثابت می‌کند که «دوگانه مذاکره و بدعهدی»، یک ترفتند و استراتژی آمریکا برای فروپاشی انسجام و وحدت کشورها و ملت‌ها و ابزار سلطه بر آنها بوده و در بهترین شرایط، ابزار دوشیدن ملت‌هاست که رئیس‌جمهور آمریکا به صراحت آن را اعلام می‌کند.

ایران از ابتدا بر مذاکره عادلانه وبرابر تأکید داشت

جلال ساداتیان، دیپلمات پیشین ایران در انگلستان و کارشناس ارشد سیاست خارجی، به فرارو گفت: رهبری در سخنان خود به صراحت گفتند اگر آنها (آمریکایی‌ها) ما را تهدید کنند، آنها را تهدید می‌کنیم و اگر امنیت ما را هدف بگیرند ما نیز امنیت آنها را به خطر می‌اندازیم. اما استنباط من از سخنان رهبری این است که اگر آنها شرط وشروط بگذارند ما هم شرط وشروطی خواهیم داشت. ترامپ دستور یا به زعم من بیانیه‌ای را امضا کرده که براساس آن اگر ایران راضی به شروطی متناسب با آنچه ترامپ مایل است، نشود، برخی دستورالعمل‌ها را اجرایی خواهد کرد. به اعتقاد من، ترامپ همان اشتباهی را

مرتکب شد که در خروج از برجام به آن توسل کرد. یعنی بدون اینکه شرایط ایران را بفهمد وموقعیت ایران رادركند، تسلیم‌فشاری شده که از سوی لابی صهیونیست‌ها، نتانیاهوو طرفدارانش بر او وارد می‌شد. طبیعتاً در مقابل او، در ایران موضع گرفته شد. رهبری پیش از سخنرانی آخر خود، اشاره کرده بودند که در مقابل آمریکا باید با هشجاری برخورد کرد و اگر بنا بر مذاکره است باید دقت وحساسیت بسیار بالا باشد. اما این بار وبعد از رفتار جدید ترامپ، رهبری، مذاکره با چنین فردی را که با این زبان تهدید با ما صحبت می‌کند و پیش فرضی برای فشار بر ما تهیه می‌کند، اشتباه دانستند.

وی افزود: در سدی دیگر ما جرا، به اعتقاد من راه به کلی بسته نشده است. در واقع اگر شرایط تغییراتی ایجاد داشته باشد، شاید بتوان باب گفت‌وگو را مجدداً باز کرد ومذاکرات با فضایی متعادل و عادلانه برای طرفین ادامه پیدا کند. این فضا چیست؟ اول اینکه من معتقدم اروپایی‌ها مایل نیستند ایران از حدی معین ضعیف‌تر شود چرا که معتقدند ترکیه در سوریه ترک‌تازی می‌کند و در آسیای مرکزی وسوریه رفتارهایی دارد که می‌تواند در بلندمدت خطرناک باشد. حمایت اردوغان از جولانی نیز برای اروپایی‌ها چندان دلگرم‌کننده یا مثبت نیست؛ بنابراین اروپایی‌ها نسبت به تحولات سوریه با حساسیت بالایی برخورد می‌کنند نمی‌خواهند شرایط این کشور به سمتی برود که تبدیل به چالشی جدید برای آنها شود؛ بنابراین اروپایی‌ها ترجیح می‌دهند به سمتی حرکت کنند که در شرایط فعلی منطقه، مجبور نشوند اسنب بک را علیه ایران فعال کنند. اما این موضوع از دید آن‌ها، شرط وشروطی دارد. شرط اصلی این است که ایران بتواند در بحث مسائل هسته‌ای، نظر آنها را به طور کامل جلب کند. اینکه ایران تعهد دهد به سمت بمب هسته‌ای حرکت نکنند یا اجازه بازرسی بازرسان آژانس را بدهد، موضوعاتی نیست که برای ایران چالشی محسوب شود یا ایران در این زمینه هانگرانی‌های جدی داشته باشد. وقتی اسنب بک فعال نشود، آمریکا هم نمی‌تواند به ایران فشار مضاعف وارد کند، اما اگر اسنب بک فعال شود، شرایط به شدت پیچیده‌تر خواهد شد و دست آمریکا هم بازتر خواهد بود.

این تحلیل‌گر ارشد مسائل سیاست خارجی در ادامه گفت: ترامپ، تعدادی اهداف بلندمدت برای خود در منطقه ترسیم کرده است، از جمله اینکه در وهله اول با عربستان و پس از آن با یاردن، مصر، عمان وسایرین روابط تجاری وحیاتی از اسرائیل ایجاد کند. ترامپ اصلاً تمایلی به درگیری در منطقه ندارد، حتی اگر اسرائیل تصمیم به حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را داشته باشد، اما آمریکا خود را وارد چنین مداخله‌ای نمی‌کند. هر چند متقدم حتی اسرائیل هم با وجود همه تهدیدهایی که مطرح می‌کند، فعلاً آماده درگیری با ایران نیست. تا ۷ ماه باقی مانده به اسنب بک، مسیر گفت‌وگوهای ما با غرب فراز ونشیب‌های متعددی خواهد داشت و برای پیش‌بینی زود است، اما همان‌طور که در سخنان رهبری هم به درستی مورد تأکید قرار گرفت، ایران هیچ تمایلی به مذاکره‌ای که آمریکا از موضع بالا صحبت کند و حداقل‌ها را برای ما در نظر بگیرد ندارد. ایران آماده گفت‌وگو ومذاکره است مشروط بر آنکه چارچوب معقول وقابل‌قبول برای ایران داشته باشد، اما با این رفتاری که ترامپ از خود نشان داده فعلاً مسیر مذاکرات متوقف شده‌است هر چند به اعتقاد من شرایط فعلی موقتی است و به معنای پایان همیشگی مذاکرات نیست.

برخی در خصوص تعبیر سخنان رهبری، مغالطه می‌کنند

محمد صادق کوشکی، استاد دانشگاه تهران و فعال سیاسی اصولگرا، به فرارو گفت: دنیای قرن ۲۱ دنیا منطقه‌گرایی است. منطقه‌گرایی به این معنا که ما باید ارتباطات حداکثری را با محیط پیرامونی خود ترسیم کنیم و چشم‌داشت ما به مناطق پیرامونی خودمان اولویت اول باشد. در واقع ما باید سعی کنیم روابطمان را در عرصه‌های مختلف با ۱۵ کشور پیرامونی خودمان ساماندهی کنیم. نکته دوم اینکه دنیا کنونی، دنیای چندقطبی است. یعنی به هیچ عنوان اینگونه نیست که الزام به رابطه با یک ساختار یا یک کشور نداریم، بلکه باید روابطمان را با ساخت‌های مختلف مجموعه‌های جهانی توسعه دهیم. ما اکنون ساختارهای جایگزینی مثل بریکس داریم. بریکس یک پهنه همکاری‌های جهانی است و کشورهای مختلفی اعم از قدرت‌های بزرگ ومیانی در این پهنه حضور دارند. این پهنه حتی به دنبال این است که پول اقتصادی خود را داشته باشد. پیمان شانگهای را هم داریم. حتی جالب است برخی کشورها اروپایی، نه در